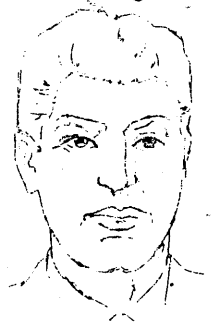


۱۶ آذر روز هجوم گرازها به دشت شقایق ...

خون شهدای ۱۶ آذر پیام اتحاد ماست



مصطفی بزرگ نیا



ناصر قد جسی



شریعت رضوی

۱۶ آذر روز هجوم گرازها به دشت شقایق و شهیدان دانشجو، امسال در شرایطی برگزار می شود که میهن ما به دورانی توفانی و پرتلاطم گام نهاده است.

۱۶ آذر اینک تنها یک خاطره دور دست رزم و خون نیست، معاد روز و لحظه است. سنتی است که هر روز جوان تری شود و آگاه تر و دلیرتر به میان آمده های رود تا تبدیل به عزم و نیرو شود و در آرمانهای خلقی بشکند. بیست و چهار سال پیش در چنین روزی خون دو دانشجوی مبارز توده ای (مصطفی بزرگ نیا و مهدی شریعت رضوی) با خون شریف یک آزاد یخواه ملی (احمد قد جی) در صحن دانشگاه به خاک ریخت و به هم پیوست. در ایستادن پیوند رمز و کنایاتی بوده که تمامی مبارزان بانک می زدند. حال آنکه در یک آتش و در یک سنگرید، یکی شوید، از تن های بی شمار و جدا از هم خود، تن ستبر یگانه ای بسازید. پیروزی شما در یگانگی شماست.

و این صدای پراز رنج و عزم پراز ۲۴ سال نبود بپراکند ه با حقانیت بیشتر و ضرورت مقتدر تری در پهنای میهن ما طنین انداز است:

" دشمن ما در میان ماست. او حدای ماست."

در این ۲۴ سال به برکت رژیم استبداد و سر نیزه خون دهها دانشجوی آزاد یخواه در پای همان نهالی که از شیره جان بزرگ نیا و رضوی و قد جی نوشید، ریخته شد. نهال ۱۶ آذر اینک درخت تنهاری است با شاخساران انبوه که بر شاخه آن دامن دامن شکوفه های خونین سرود می خوانند. به جای تجلیل لفظی از خاطره این جانهای شوریده و سوزان که در رزیبای خلقی خود پرور شدند، به ارثیه معنوی آنان چشم بدوزیم و از آن بیاموزیم. جمع بست تجربیات این سالهای خون و حماسه و پیدار نه تنها رستگاری تجلیل، که دینی است به نردن ما و پامختی است به ندای ضرورتی که میدان ما و حقیقه ای نبود عظیم خلقی ما آن را آوازی خوانند ...

جنبش دانشجویی در راه تکامل

فصلت ضد امپریالیستی و دموکراتیک جنبش دانشجویی ایران و سهم موثری که این جنبش در نهضت عمومی ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران داراست، ۶ مواره چشم و هجوم ارتجاعی

ایران و امپریالیسم پشتیبان وی را برانگیخته است. کورنای ۲۸ مرداد ۳۲ فرصت مناسبی بود تا ارتجاع لحام کسینخته و امپریالیسم کینه ور و بیضناک از دانشجویان مبارز ایران انتقام بگیرند و آرزوی دیرینه خود را با سرکوب جنبش دانشجویان عملی سازند. به خون کشیدن تشاهرات دانشجویان دانشگاه تهران در ۱۶ آذر ۳۲ - نخستین ضربه برای نیل به این هدف بود. بدیهی است که رژیم ضد خلقی کودتا به این ضربه جنایت آمیز اکتفا نکرد. هجوم و تاراج و درسا ل های بعد، با انواع توطئه تکمیل شد. دانشگاه های ایران عملاً تحت نظارت سازمان امنیت قرار گرفت، به اشغال نظامی درآمد، کتابخانه های آن غارت شد، انجمن های دانشجویی منحل گردید، مصطفی دانشجو و معرفت جی خود را با تحکم سر نیزه عویز کرد.

دانشجویان دسته دسته اخراج شدند، زندانها و شکنجه گاهها را پر کردند، شریازخانه «ا تجمید گشتند، بارها دانشگاهها و دانشکده ها تعطیل شدند، حتی استادان شریف از این تحقیرها و بیورنرها مصون نماندند. هرگاه میهن پرستی با عقوبتی سخت پاسخ داده شد. در خمیان سیطره دوزخی خود را بر دانشگاهها گستراندند. ولی اینک پراز ۲۴ سال با قاطعیت می توان گفت که رژیم نور و اختنای در سرکوب دانشجویان و در توطئه های رنارت، خود برای جلب رفیق ریاحتی بی طرف نگاه داشتن آن ها با شکست موحشی روبرو شده است. جنبش پر توان و الهام بخش دانشجویی نه تنها در میان شکنجه گاهها و در طنین لوله های سحرانها ان اقدام محو نشد، نه تنها عبار شعیده دریا و دغل بازی ها، نگاه روشن و نایب آن را تیره نکرد، بلکه هم در سطح وهم در همز به گزاینده گستر یافت.

بستردگی جنبش را در سطح می توان در تعدد و انبوه گری اعتراضات و تشاهرات دانشجویان به شایسته های توتنه و در